

سلامی



دانشگاه پیام نور
دانشکده علوم انسانی
مرکز تهران

پایان نامه برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد
رشته‌ی زبان‌شناسی همگانی
گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی

عنوان پایان نامه :
راهبردهای گفتمانی جنگ نرم
زهرا براتی

استاد راهنما :
دکتر مریم السادات غیاثیان

استاد مشاور:
دکتر بلقیس روشن
بهمن ماه ۱۳۹۰

تقدیم به خانواده‌ام

به مادرم برای نگاه زندگی بخشش

به همسرم برای همراهی‌های بی‌ادعایش

و به دخترانم برای لحظه‌های زیبایی

که نثارم کردند.

تقدیر و تشکر

خدای بزرگ را شاکرم که در بحر بیکرانه‌ی علم ، مرواریدهای درخشانی را نصیبم کرد که روشنگر راهم شدند.

و متواضعانه سپاسگزارم از استادان گرانقدرم

سرکار خانم دکتر غیاثیان و سرکار خانم دکتر روشن،

که اگر رهنمودهای بی دریغ و عالمانه‌ی ایشان نبود، این پژوهش هرگز به سرانجام نمی‌رسید .

چکیده:

تحولات پدید آمده در عرصه‌ی تعاملات بین‌المللی و تغییر ماهیت منازعات جهانی از جنگ سخت به جنگ نرم، افق‌های جدیدی را در عرصه‌ی نبردهای کلامی و چالش‌های گفتمانی گشوده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با «بررسی راهبردهای گفتمانی جنگ نرم» از منظر «تحلیل گفتمان انتقادی»، در چارچوب انگاره‌ی اجتماعی-شناختی ون‌دایک و با استفاده از رویکرد ون‌لیوون ۱۹۹۶ و غیاثیان ۱۳۸۶، به بازنمایی قدرت و ایدئولوژی در گفتمان بپردازد. این پژوهش با الهام از مفاهیم «اجتماع، شناخت و گفتمان» به بررسی سه ضلع مثلث «زبان، قدرت، ایدئولوژی» می‌پردازد. جامعه‌ی آماری شامل تمامی سخنرانی‌ها و پیام‌های جرج دبلیو بوش و باراک حسین اوباما در دوران ریاست‌جمهوری و نامزدیشان در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ با رویکرد نسبت به اسلام و ایران است که شش نمونه از آن‌ها به شکل هدفمند انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین راهبرد گفتمانی دو رئیس‌جمهور آمریکا برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی است که با بهره‌گیری از مولفه‌های بافتی و مولفه‌های زبانی تحقق یافته است. در این قطب‌بندی گفتمانی هر دو رئیس‌جمهور تلاش دارند تا چنین القا کنند که آمریکا و غرب پرچم‌دار حرکت به سوی «خیر» و «صلح»‌اند و قطب مخالف و دشمنان ایدئولوژیک آن‌ها یعنی اسلام‌گرایان عامل «شر»، «بی‌ثباتی»، «ترور» و در یک کلام «دشمن بشریت»‌اند. با مقایسه‌ی گفتمان این دو رئیس‌جمهور مشخص شد که اگرچه از بسامد اصطلاحات چالش‌برانگیز بوش و نومحافظه‌کاران مانند «تروریست‌ها» و «افراط‌گرایان» در گفتمان اوباما و دموکرات‌های محافظه‌کار کاسته شده است؛ ولی عملاً همان خط مشی و ایدئولوژی در گفتمان اوباما در القای دشمنی و انزجار با کشورها و نهادهای مسلمان دیده می‌شود.

کلید واژه‌ها:

جنگ نرم، تحلیل گفتمان انتقادی، هژمونی، ایدئولوژی و بازنمایی

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱	مقدمه	۲
۲-۱	بیان مسئله	۲
۳-۱	بیان سوال‌ها و فرضیه های تحقیق	۳
۴-۱	اهداف تحقیق	۴
۵-۱	روش تحقیق	۴
۶-۱	ساختار تحقیق	۵
۷-۱	کلید واژه‌ها	۶

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی تحقیق

۱-۲	مقدمه	۹
۲-۲	رویکردهای تحلیل گفتمان	۱۰
۱-۲-۲	اصول و دیدگاه‌های اصلی تحلیل گفتمان انتقادی	۱۱
۲-۲-۲	رویکرد فوکو	۱۳
۳-۲-۲	رویکرد لاکلا و موف	۱۴
۴-۲-۲	رویکرد روٹ و داک	۱۵
۵-۲-۲	رویکرد فرکلاف	۱۶
۶-۲-۲	رویکرد ون‌دایک	۱۸
۳-۲	زبان و ایدئولوژی	۲۰
۱-۳-۲	مربع ایدئولوژیک ون‌دایک	۲۱
۲-۳-۲	برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی	۲۳
۴-۲	زبان و بازنمایی	۲۴
۱-۴-۲	ساختار بازنمودهای اجتماعی	۲۵
۲-۴-۲	ساختارها و راهبردهای تعصب	۲۶
۳-۴-۲	کلیشه‌سازی	۲۸
۴-۴-۲	گفتمان و بازنمایی	۳۰
۵-۴-۲	اسلام و بازنمایی رسانه‌ای	۳۱
۵-۲	مفاهیم مرتبط با قدرت و سلطه	۳۳

۳۴.....	هژمونی	۱-۵-۲
۳۵.....	اقتدار	۲-۵-۲
۳۶.....	مشروعیت	۳-۵-۲
۳۷.....	اقتناع	۴-۵-۲
۳۷.....	دسترسی	۵-۵-۲
۳۹.....	اعمال قدرت	۶-۲
۳۹.....	اعمال قدرت از طریق کنترل اعمال و اذهان	۱-۶-۲
۳۹.....	اعمال قدرت از طریق کنترل رخدادهای ارتباطی	۲-۶-۲
۴۰.....	اعمال قدرت از طریق کنترل دامنه و مخاطبان	۳-۶-۲
۴۰.....	اعمال قدرت از طریق اقتناع	۴-۶-۲
۴۱.....	اعمال قدرت از طریق هژمونی و اجماع	۵-۶-۲
۴۳.....	اعمال قدرت از طریق کنترل بافت	۶-۶-۲
۴۴.....	مبانی جنگ نرم	۷-۲
۴۴.....	جنگ سرد	۱-۷-۲
۴۷.....	قدرت نرم	۲-۷-۲
۴۸.....	جنگ نرم	۴-۷-۲
۴۹.....	راهبردها و شیوه‌هایی برای عملیاتی ساختن جنگ نرم	۱-۴-۷-۲
۵۰.....	سازوکارهای جنگ نرم	۱-۴-۷-۲
۵۲.....	پیشینه‌ی تحقیق حاضر	۸-۲
۶۰.....	پیشینه‌ی تحقیق حاضر در آثار غربی	۱-۸-۲
۶۲.....	پیشینه‌ی تحقیق حاضر در ایران	۲-۸-۲
۶۴.....	نتیجه‌گیری	۹-۲
فصل سوم: روش شناسی		
۶۵.....	مقدمه	۱-۳
۶۸.....	طرد	۱-۱-۳
۷۱.....	جذب	۲-۱-۳
۷۱.....	واگذاری نقش	۱-۲-۱-۳
۷۶.....	تشخیص‌بخشی و تشخیص‌زدایی	۲-۲-۱-۳

- ۷۶..... ۱-۲-۲-۱-۳ جنس ارجاعی و نوع ارجاعی
- ۷۸..... ۱-۱-۲-۲-۱-۳ فرد ارجاعی و گروه ارجاعی
- ۷۹..... ۲-۲-۲-۱-۳ مشخص سازی و نام مشخص سازی
- ۸۰..... ۱-۲-۲-۲-۱-۳ پیوند زدن و پیوند زدایی
- ۸۱..... ۲-۲-۲-۲-۱-۳ تفکیک کردن و تفکیک نکردن
- ۸۲..... ۳-۲-۲-۲-۱-۳ نام دهی و مقوله دهی
- ۸۳..... ۱-۳-۲-۲-۲-۱-۳ نقش دهی، هویت دهی و ارزش دهی
- ۸۶..... ۴-۲-۲-۲-۱-۳ مشخص سازی تک موردی و مشخص سازی چندموردی
- ۸۹..... ۳-۲-۲-۱-۳ تشخیص زدایی: انتزاعی کردن و عینی کردن
- ۹۰..... ۳-۱-۳ نتیجه گیری

فصل چهارم: تحلیل داده ها

- ۹۲..... ۱-۴ مقدمه
- ۹۲..... ۲-۴ پیشینه‌ی تاریخی - سیاسی
- ۹۵..... ۳-۴ سخنرانی اوباما در سازمان ملل ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱
- ۱۲۶..... ۴-۴ سخنرانی بوش در سازمان ملل - ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶
- ۱۵۷..... ۵-۴ پیام ویدیویی نروزی اوباما - نوروز ۹۰
- ۱۶۷..... ۶-۴ پیام رادیویی پیام بوش به مردم ایران - ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲
- ۱۷۲..... ۷-۴ سخنرانی اوباما پیش از انتخابات آمریکا - ۲ مارس ۲۰۰۷
- ۱۸۲..... ۸-۴ سخنرانی بوش در پنجمین مجمع سالیانه PSI - ۲۸ می ۲۰۰۸
- ۱۹۱..... ۹-۴ نتیجه گیری

فصل پنجم: نتیجه گیری

- ۲۰۱..... ۱-۵ مقدمه
- ۲۰۲..... ۲-۵ راهبردهای گفتمانی جنگ نرم
- ۲۰۲..... ۱-۲-۵ مولفه‌های بافتی
- ۲۰۳..... ۲-۲-۵ مولفه‌های زبانی جنگ نرم
- ۲۰۸..... ۳-۵ پیشنهادات

ضمائم

منابع

فصل اول

کلیات

تحقیق

زبان نظامی از قواعد و نشانه‌ها است؛ بافته‌ای که در شبکه‌های معنایی و ذخایر ادراکی آن، جهان‌بینی‌ها، ایدئولوژی‌ها، بازنمایی‌ها و دیگر مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی در هم تنیده شده‌اند. شاهرهی که محل تلاقی علوم اجتماعی، سیاسی، روانشناسی و... است. گاه محفل اهالی علم و ادب بوده و گاه جولانگاه سیاست‌بازان و قدرتمداران.

مهم‌ترین کارکرد زبان در عرصه‌ی معادلات سیاسی و اجتماعی، نقش محوری آن در تعیین روابط قدرت است. زبان که با بهره‌گیری از جنبه‌های ایدئولوژیکش تأثیراتی انکارناپذیر در معادلات قدرت جهانی دارد، در دست سیاست‌مداران عملاً به ابزاری تبدیل شده تا برتری و تفوق خود را به سایرین دیکته کنند. در تعاملی دوجانبه از یک سو قدرت مجال دسترسی به گفتمان را محقق می‌سازد و از سوی دیگر، گفتمان امکان سوءاستفاده از قدرت را برای صاحبان قدرت فراهم می‌نماید.

تحلیل گفتمان^۱ فرصتی برای شناخت این کارکردها است. به زعم ون‌دایک^۲ (۱۹۹۳: ۲۵۰) «این کشمکش هرم قدرت و نابرابری‌های اجتماعی است که تحلیل گفتمان انتقادی^۳ قصد در برداشتن نقاب از چهره‌ی آن را دارد». تحلیل گفتمان منشوری است که با تجزیه و تحلیل متن، طیف‌های نامرئی آن را آشکار می‌سازد. این پژوهش بر آن است تا با تبیین سازوکارهای مثلث «زبان، قدرت و ایدئولوژی» و به تبع آن بازنمایی و با بهره‌گیری از مولفه‌های تحلیلی زبان‌شناختی به کم و کیف بهره‌گیری از زبان در شکل‌گیری قدرت و کارکرد آن در چالش‌های گفتمانی و به ویژه جنگ نرم^۴ بپردازد.

۱-۲ بیان مسئله

هنگامی که دو ابرقدرت روزگار، یعنی اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا دریافتند که برخورد نظامی بین آن‌ها میسر نیست، در عرصه‌ی روانی و تبلیغاتی به نبردی کم هزینه‌تر بر ضد هم روی آوردند که به «جنگ سرد»^۵ مشهور شد. جنگ سرد ترکیبی از جنگ سخت و جنگ نرم

^۱ Discourse Analysis

^۲ van Dijk

^۳ Critical Discourse Analysis

^۴ Soft War

^۵ Cold War

بود که طی آن دو ابرقدرت در عین تهدیدهای سخت از رویارویی مستقیم بایکدیگر پرهیز می‌کردند و در نهایت به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجامید.

چنین به نظر می‌آمد که پس از پاشیده شدن اتحاد جماهیر شوروی و توقف ظاهری جنگ سرد بین دو قدرت برتر چپ و راست، موازنه‌ی قدرت به نفع آمریکا بر هم خورده است؛ اما در واقع فقدان دشمن ایدئولوژیک، آمریکا را دچار بحران هویت کرده بود. بنابراین، رویکردی نو را در عرصه‌ی سیاسی در پیش گرفت.

آمریکا و هم‌پیمانانش که اسلام را سدی در مقابل افزون‌خواهی‌هایشان می‌دیدند، دست به حمله‌ای تبلیغاتی علیه اسلام زدند که پیامد آن ظهور اصطلاحاتی مانند "اسلام‌هراسی"^۱ در فرهنگ سیاسی جهان بود. شناسایی مولفه‌ها و راهبردهای گفتمانی این مقوله راهکارهایی را برای آینده در برخواهد داشت.

۱-۳ بیان سوال‌ها و فرضیه‌های تحقیق

با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر قصد دارد با بررسی رابطه‌ی میان زبان، قدرت، ایدئولوژی و بازنمایی از منظر تحلیل گفتمان انتقادی به شناسایی عوامل و ابزارهای گفتمانی جنگ نرم بپردازد؛ لذا سوال اصلی این تحقیق این است که راهبردهای گفتمانی جنگ نرم کدامند؟

و سوال فرعی این پژوهش این است که:

گفتمان دو رئیس‌جمهور اخیر آمریکا بوش و اوباما از حیث کاربرد راهبردهای گفتمانی چه تفاوت‌ها و چه شباهت‌هایی با هم دارند؟
و فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱. در جنگ نرم که جنگی کلامی است از راهبردهای گفتمانی چون برجسته‌سازی^۲ و حاشیه‌رانی^۳ استفاده می‌شود.

۲. گفتمان دو رئیس‌جمهور اخیر آمریکا بوش و اوباما از حیث کاربرد راهبردهای گفتمانی متفاوت است؛ اما در مواجهه با مسائل اسلام، هر دو ایدئولوژی یکسانی را دنبال می‌کنند.

¹ Islam phobia

² Fore Grounding

³ Back Grounding

۴-۱ اهداف تحقیق

۱. شناسایی ابزارهای گفتمانی جنگ نرم
 ۲. تعمیق دانش زبان‌شناسی در این حوزه
 ۳. کمک به بسط و توسعه‌ی شیوه‌های تحلیل سیاسی
 ۴. شناخت راهکارهای زبانی که در مبارزات کلامی سیاسی به کار گرفته می‌شود.
- نتایج این تحقیق به عنوان تحقیقی میان رشته‌ای می‌تواند توأمان مورد استفاده در رشته‌های زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، ارتباطات و روابط بین‌الملل قرار گیرد و زمینه را برای ساماندهی و تفوق در مبارزات کلامی با تکیه بر مولفه‌های زبان‌شناسی فراهم سازد.

۵-۱ روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ زبان‌شناسی کلان^۱ در حوزه‌ی زبان‌شناسی متن^۲ و به لحاظ زبان‌شناسی خرد^۳ در حیطه‌ی تحلیل گفتمان قرار می‌گیرد که با استفاده از روش تحقیق «تحلیل محتوا» صورت گرفته است. تحلیل محتوا، روش تحقیق کیفی است که با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون و مبانی نظری مختلف به به‌گزینی می‌پردازد.

این تحقیق در چارچوب انگاره‌ی اجتماعی - شناختی^۴ ون‌دایک (۱۹۹۶) و با استفاده از رویکرد ون‌لیوون^۵ (۱۹۹۶) و غیاثیان (۱۳۸۶) به تحلیل داده‌های موجود می‌پردازد.

جامعه‌ی آماری مشتمل است بر کلیه‌ی سخنرانی‌ها و پیام‌های جرج دبلیو بوش و باراک حسین اوباما در دوران ریاست‌جمهوری و نامزدیشان در انتخابات در فاصله‌ی زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ با رویکرد نسبت به اسلام و ایران، که ۶ نمونه از آن‌ها به روش هدفمند گردآوری شده است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که همان‌طور که ون‌دایک (۱۳۸۲: ۷۶) می‌گوید:

¹ Marco Linguistics

² Text Linguistics

³ Micro Linguistics

⁴ Context Analysis

⁵ Socio Cognitive Approach

⁶ van Leeuwen

«مفاهیم کلان متعارفی مانند قدرت و سلطه‌ی گروهی، نهادی و نیز نابرابری‌های اجتماعی، مستقیماً با مفاهیم متعارف کلامی مانند متن، گفتار و تعامل ارتباطی مرتبط نیست. برای مرتبط ساختن گفتمان و جامعه و همچنین گفتمان و بازتولید سلطه و نابرابری اجتماعی، نیازمند بررسی دقیق نقش بازنمودهای اجتماعی در اذهان بازیگران عرصه‌ی اجتماع هستیم و شناخت اجتماعی، فصل مشترک نظری و تجربی میان گفتمان و سلطه و حتی حلقه‌ی مفقوده‌ی میان آن‌ها است.»

۱-۶ ساختار تحقیق

این تحقیق علاوه بر فصل حاضر دارای ۴ فصل دیگر است. فصل دوم به ارائه‌ی مبانی نظری پژوهش می‌پردازد. تشریح انواع رویکردهای تحلیل گفتمان؛ تحلیل گفتمان انتقادی و اصول و دیدگاه‌های اصلی تحلیل گفتمان انتقادی از جمله مباحثی است که به عنوان پیشینه‌ی رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به آن پرداخته می‌شود. سپس با الهام از مثلث جامعه، شناخت و گفتمان ون‌دایک به چگونگی ارتباط میان سه ضلع زبان، قدرت و ایدئولوژی^۱ می‌پردازد. در پایان این فصل، آثار مرتبط به پژوهش حاضر یعنی پژوهش‌هایی در چارچوب مبحث جنگ نرم و بازنمایی اسلام در میان آثار غربی و آثار داخلی مرور می‌شود.

فصل سوم متشکل از دو بخش روش‌شناسی و معرفی روش کیفی انتخاب شده در تحلیل متون است. بخش اول شامل گردآوری داده‌ها، جامعه‌ی آماری و روش‌هایی است که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. بخش دوم به معرفی شبکه‌ی نظام‌مند ون لیوون (۱۹۹۶) و غیائیان (۱۳۸۶) می‌پردازد و شیوه‌های مختلف بازنمایی کنش‌گرهای اجتماعی در گفتمان را با استفاده از امکانات زبان انگلیسی تبیین می‌کند.

در فصل چهارم شش سخنرانی و پیام از بوش و اوباما با رویکرد اسلام و ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

در فصل پنجم به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها و پیشنهادهای برای مطالعات آتی می‌پردازد.

کلید واژه‌ها

«تحلیل گفتمان انتقادی»: رویکردی به تجزیه و تحلیل زبان که هدف آن آشکارسازی روابط قدرت پنهان و فرایندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است. این رویکرد مخصوصاً در تجزیه و

¹ Ideology

تحلیل زبان‌شناسی انتقادی، به تجزیه و تحلیل متون در ارتباط با بافت اجتماعی‌ای که این متون در بستر آن‌ها به وجود آمده‌اند و در همان بافت باید تفسیر شوند می‌پردازد. (کریستال، ۱۹۹۲: ۸۷)

«ایدئولوژی»: ون‌دایک (۱۹۹۸: ۴) ایدئولوژی را به طور عام به منزله‌ی «نظام باورها» تعریف می‌کند. از نظر او (۱۳۳: ۱۳۸۲) «ایدئولوژی‌ها بازنمودهای ذهنی‌ای هستند که شناخت اجتماعی، یعنی دانش و نگرش‌های مشترک میان همه‌ی اعضای گروه را می‌سازند.»

«قدرت»: از دیدگاه ماکس وبر «قدرت، امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه‌ی اتکای این امکان خاص، اراده‌ی خود را با وجود مقاومت به کار برد.» (عالم، ۱۳۷۳: ۸۹)

«هژمونی^۱»: لاکلا و موف هژمونی را این گونه تعریف می‌کنند: «توانایی در تثبیت نسبی معنا در بافتی مشخص و محدود؛ به این معنا که اگر مدلولی به دالی نزدیک شود و بر سر معنای خاصی برای یک دال در اجتماع، اجماع حاصل شود، آن دال هژمونیک شده و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتمان آن گفتمان به هژمونی دست می‌یابد. هژمونیک شدن یک نشانه به این معناست که معنای آن در سطح وسیعی در افکار عمومی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۳)

«اقتدار^۲»: ترکیبی از قدرت و مشروعیت است. به بیان دیگر چهره‌ی مقبول و مشروع قدرت را اقتدار نامند. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶: ۷۱۹)

«مشروعیت^۳»: فرمان و اطاعت، توأم با حق و حقانیت که موجب ابهام و عدم شفافیت روابط قدرت می‌شود و به این ترتیب تحمیل یاد شده با موفقیت انجام می‌شود.

«اقناع^۴»: کوشش آگاهانه‌ی یک فرد یا سازمان، برای تغییر نگرش، باور، ارزش‌ها یا دیدگاه‌های فرد یا گروهی دیگر را اقناع می‌گویند. (گیل، ۱۳۸۴: ۵۱)

«بازنمایی^۵»: فرایند ثبت ایده‌ها، دانش یا پیام‌ها به شکل فیزیکی را در نظریه‌ی نشانه‌شناسی بازنمایی می‌گویند. بازنمایی را می‌توان به شکل دقیق‌تر استفاده از نشانه (تصاویر، صداها و ...)

¹ Hegemony

² Authority

³ Legitimacy

⁴ Persuasion

⁵ Representation

برای گفتن، تصویر، یا بازتولید چیزی که به شکل فیزیکی درک، احساس و تصور شده به شمار آورد. (دانسی، ۱۳۸۷: ۲۰۰)

«قدرت نرم^۱»: توانایی دست یابی به آنچه در پی آن هستید، از طریق ایجاد جذابیت و اقناع و نه تهدید و اجبار. (نای ۱۳۸۷: ۴۷-۴۳)

«جنگ نرم»: هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای که جامعه‌ی هدف را نشانه گرفته و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار به انفعال و شکست وامی دارد. جان کالینز^۲ نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را عبارت از «استفاده‌ی طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود»، می‌داند.

در فصل بعد به مبانی نظری و پیشینه‌ی مرتبط با تحقیق حاضر پرداخته می‌شود.

¹ Soft Power

² Colinz, J.

فصل دوم

مبانی نظری

و

پیشینه‌ی

تحقیق

۲-۱ مقدمه

پژوهش حاضر از منظر زبان‌شناسی در چارچوب مباحث «زبان و قدرت» و «زبان و ایدئولوژی»^۱ و با هدف بررسی «راهبردهای گفتمانی در جنگ نرم» و به عنوان یکی از رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی انجام می‌پذیرد. رویکرد زبان‌شناختی انتقادی مورد نظر در این پژوهش در ساختار کلان، انگاره‌ی شناختی- اجتماعی «ون‌دایک» است. با این وصف در این فصل، این رهیافت بیش از سایرین مورد توجه قرار گرفته است.

تولید معنا ابزاری مهم برای ایجاد و تداوم روابط قدرت به شمار می‌آید که از طریق آن می‌توان اعمال قدرت را توجیه و ساختار روابط قدرت را هم‌سو با عقل سلیم جلوه داد و به آن مشروعیت بخشید؛ درحقیقت، در تعامل متقابل اضلاع مثلث شناخت، گفتمان و جامعه، گفتمان ایدئولوژی را برساخت می‌کند و ایدئولوژی با ایجاد اجماع، باعث مشروعیت‌بخشی به ساختار قدرت می‌شود.

بررسی‌های انجام شده در سال‌های کنونی نشان می‌دهد که ایدئولوژی زیرساخت عمده‌ی تحولات اخیر در عرصه‌ی بین‌الملل خصوصاً در دو قرن اخیر بوده است، و هم‌اکنون به عنوان مفهومی جهانی در گفتمان سیاسی، توجه همگان را جلب نموده است. اغلب حکومت‌ها ادعا دارند که ایدئولوژی خاصی را در نظام بین‌المللی ارائه می‌کنند و به این طریق رمزگانی را برای فهم مجموعه‌ای از گرایش‌ها و سیاست‌ها فراهم می‌آورند و گاه تا آنجا پیش رفته‌اند که بعضی از زمامداران «نبرد ایدئولوژیک»^۲ را بزرگ‌ترین نبرد عصر خود معرفی کرده‌اند.

در تعاملات بین‌المللی نیز کشمکش روابط قدرت بهره‌گیری از ابزارهای جدید راطلب می‌کند و لزوم بهره‌گیری هرچه بیش‌تر از قدرت نرم در کنار قدرت سخت به عنوان توجیه‌گر اقدامات نظامی و یا حتی جایگزینی برای قدرت سخت را آشکار می‌کند. با اعتقاد به این که در عصر اطلاعات قدرت نرم در حال تبدیل شدن به قدرت برتر و بالاتر در سیاست‌های جهانی می‌باشد، ژوزف نای^۳ نظریه‌پرداز قدرت نرم با معرفی قدرت نرم به عنوان «ابزاری برای موفقیت در سیاست جهانی» آن را «توانایی شکل‌دهی ترجیحات دیگران» تعریف می‌کند و معتقد است که دستیابی به قدرت سیاسی و ایدئولوژیک از طریق ایجاد جذابیت و اقناع و نه تهدید و اجبار میسر

¹ Ideology

^۲ بوش می‌گوید: نبرد ایدئولوژیک بزرگ‌ترین نبرد زمان ماست.

³ Nye, Joseph, S.

است؛ این گونه است که نقش گفتمان در راستای تولید معنا و شکل‌گیری و معرفی ایدئولوژی‌ها به عنوان محوری برای چرخش قطب‌نمای قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲ رویکردهای تحلیل گفتمان

تحلیل گفتمان یک گرایش مطالعاتی بین رشته‌ای است که از واسط دهه‌ی ۱۹۶۰ تا واسط دهه‌ی ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده‌ی علمی - معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد و روانشناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرایند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.

باید مد نظر داشت عرصه‌ی تحلیل گفتمان مجال رشد و ظهور انواع تحلیل گفتمان‌ها را فراهم آورده است که اگرچه از لحاظ فلسفی و از جنبه‌ی نظری دارای مشترکات بنیادی‌اند؛ اما از حیث رویکرد، تفاوت‌های قابل توجهی دارند و دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه می‌کنند.

در این خصوص شیفرین^۱ (۱۹۹۴، ۲۰) دو پارادایم عمده در زبان‌شناسی را ساخت‌گرایی^۲ (با صورت‌گرایی) و نقش‌گرایی^۳ معرفی می‌کند که هر یک درباره‌ی ماهیت زبان و اهداف زبان‌شناسی دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌کنند. به اختصار می‌توان گفت تعریف برگرفته از الگوی ساخت‌گرا گفتمان را به منزله‌ی «جملات» می‌انگارد؛ بدین مفهوم که گفتمان را متشکل از اجزایی می‌داند که دارای روابط ساختاری باهم‌اند و برای تحلیل زبان در سطح بالاتر از سطح جمله به کار می‌روند و در مقابل تعریف برگرفته از الگوی نقش‌گرا، به بافت کاربرد زبان توجهی خاص نشان می‌دهد و گفتمان را به مثابه «کاربرد زبان» می‌داند. منظور از «بافت» در تحلیل گفتمان نقش‌گرا، شرایط زمانی و مکانی محدودی است که زبان در آن به کار می‌رود.

¹ Schifrin, D.

² Structuralism

³ Functionalism

نقطه‌ی ضعف نگرش مزبور این است که بافت مورد نظر بسیار محدود و محلی است. برای جبران این نقیصه، فالور^۱، هاج^۲، کرس^۳ و ترو در قالب زبان‌شناسی انتقادی، قدرت و ایدئولوژی را نیز وارد جریان غالب تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی کردند.

نهایتاً رواج اندیشه‌های پسامدرنیسم در عرصه‌ی زبان‌شناسی انتقادی در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، دوگانگی‌های سوسوری را در هم شکست و چرخش مطالعات فرهنگی به سوی نظریه‌ی هژمونی^۴ گرامشی^۵ منجر به ظهور «تحلیل گفتمان انتقادی» شد. شایان ذکر است با وجود این‌که مفهوم گفتمان در «تحلیل گفتمان انتقادی»، بسیار بزرگ‌تر از دو رویکرد دیگر است، فصل مشترکی نیز در هر سه رویکرد وجود دارد و آن این است که در آن‌ها «زبان» بزرگ‌تر از «گفتمان» در نظر گرفته شده است.

ون‌دایک، وداک^۶ و فرکلایف^۷ را می‌توان بنیان‌گذاران سه رویکرد عمده در تحلیل گفتمان انتقادی معرفی نمود. ضمن این‌که نباید از تأثیرات آراء میشل فوکو^۸ در توسعه‌ی تحلیل گفتمان غافل شد. وی کوشید با تبیین جایگاه ویژه‌ی قدرت در تولید گفتمان، اهمیت جایگاه گفتمان را در تولید قدرت را آشکار سازد.

۲-۲-۱ اصول و دیدگاه‌های اصلی تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا)^۹

همان‌گونه که ون‌دایک (۱۹۹۳: ۲۵۰) می‌گوید: «کار تحلیل‌گران انتقادی در حقیقت و نهایتاً کاری سیاسی است.... آن‌ها از طریق درک انتقادی درصدد تغییر اوضاع هستند. رویکرد این تحلیل‌گران گفتمان حتی‌المقدور معطوف به اشخاصی است که بیش‌ترین رنج را از سلطه^{۱۰} و نابرابری برده‌اند. هدف انتقاد آن‌ها نخبگان قدرت‌اند که بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی را اعمال می‌کنند، تداوم می‌بخشند و یا به آن به دیده‌ی اغماض می‌نگرند و آن را نادیده می‌گیرند.»

¹ Fowler, R.

² Hodge, R.

³ Kress, J.

⁴ Hegemony

⁵ Gramsci, A.

⁶ Wodak, R.

⁷ Fairclough, N

⁸ Foucault, M.

⁹ این سرواژه توسط غیاثیان (۱۳۸۶) به عرصه‌ی تحلیل گفتمان پیشنهاد شده است.

¹⁰ dominance